

اندیشه فدرالیسم در تحولات معاصر ایران

اندیشه فدرالیسم در تحولات معاصر ایران
علی قره جه لو - تورنتو

انقلاب مشروطه

ایران با انقلاب مشروطه از دنیای سنتی و کهن قدم به دنیای جدید و معاصر گذاشت ماحصل این انقلاب با وجود تمامی محدودیت های تاریخی آن، قانون اساسی مشروطه و متمم آن بود. قانون اساسی مشروطه به لحاظ تاکید و برسمیت شناختن حقوق ملیت های ایران قدمی جدی، واقع بینانه و ترقی خواهانه بود.

جنبش مشروطه در کلیت آن بر دو هدف اساسی استوار بود: مبارزه با استبداد سلطنتی و محدود کردن اختیارات شاه، و مبارزه با نفوذ و مداخلات خارجی و مشخصاً دول روس و انگلیس، لذا قانون اساسی حاصل این انقلاب نیز انعکاسی از این مبارزه بود. چنانکه در قانون اساسی، مجلس بعنوان اراده ملت و انتخابات بعنوان تجلی آن اراده ملی قبول شد و انجمن های ایالتی و ولایتی (اصول 90-93) در اعطاء اختیار اداره ایالات به خود مردم آن ایالات به تصویب رسید.

اصول 90-93 قانون اساسی و سپس تصویب قانون جداگانه انجمن های ایالتی- ولایتی (خرداد 1286) در واقع تاکید بر ادامه روال غیر متمرکزی بود که ریشه های کهن و دیرینه ای در تاریخ ایران داشت، با این تفاوت که حق تصمیم گیری و اعمال قدرت را بجای نماینده دولت در ایالات (والی) به نمایندگان منتخب مردم می داد و نیز حدود اختیارات آن مجالس ایالتی و ولایتی را معین می کرد.

قانون اساسی جدید سیستم غیر متمرکز سنتی را در ایران که برپایه استبدادی و اراده فردی استوار بود بر اساسی نوین و دموکراتیک بازسازی کرد. چنانکه اصل 90 قانون اساسی ناظر بر ایجاد انجمن های ایالتی و ولایتی، اصل 91 ناظر بر انتخاب اعضای آن انجمن ها بر اساس نظامنامه انجمن ها و رای مستقیم مردم، اصل 92 ناظر بر تفویض ” اختیار تامه در اصلاحات راجعه به منافع عامه ” به انجمن های ایالتی و ولایتی، و اصل 93 ناظر بر اختیار ” طبع و نشر صورت دخل و خرج ایالات و ولایات از هر قبیل توسط انجمن ها ” است. تاریخ معاصر ایران از زمان صدور فرمان مشروطه 5 آگوست 1906 (13 مرداد 1285 شمسی) از منظر حقوق ملیت های ایران تا انقلاب بهمن در واقع کشمکش بین دو نیروی بود که یکی خواهان وفاداری به آرمان های انقلاب مشروطه و اجرای اصول قانون اساسی و دیگری پایمال کردن آن اصول بود. اصلی ترین نقطه کشمکش اصول چهارگانه قانون اساسی بود که ناظر بر دادن اختیارات ایالات به خود اهالی آن ایالات بود. این اختلاف از همان روز تصویب قانون اساسی آغاز شد، و آذربایجانی ها مخالفت خود را با نحوه تدوین آن ابراز کردند و مطالبات خود را در هفت ماده فورموله کرده و خواستار گنجاندن شدن 5 ماده از آن 7 ماده را در متمم قانون اساسی که در حال تنظیم و تصویب بود شدند.

قانون اساسی که در 51 ماده تدوین و تصویب شده بود نواقص زیادی داشت. در این قانون به برابری مردم اشاره نشده بود، بسیاری از آزادی های فردی تضمین نشده بودند، از آزادی های عمومی سخنی به میان نیامده بود و قوای حکومت از هم تفکیک نشده بودند. گنجاندن درخواست های انجمن ملی آذربایجان در متمم قانون اساسی بعد از 8 ماه مقاومت و کارشکنی حکومت، در مقابل کمیسیونی که برای تکمیل قانون اساسی و به همت آذربایجانی ها تشکیل شده بود انجام گرفت.

درخواست های 7 گانه مردم آذربایجان طبق نوشته کسروی چنین بودند:

- 1- شخص همایونی باید دست خطی برای اسکات عامه صادر نمایند که دولت ایران مشروطه تامه است.
- 2- عدد وزرای مسئول فعلاً از هشت عدد متجاوز نیست و هرگاه بعد ها تشکیل یک وزارت خانه لازم گردد به امضای مجلس تشکیل داده خواهد شد.
- 3- از این و به بعد از خارجه وزیر نباید معین و مقرر شود.
- 4- در هر ولایات و ایالات باطلاع مجلس شورای ملی انجمن محلی برقرار باشد.

- 5- وزیرای افتخاری ایدا نیاید باشند. یعنی اسم وزارت بجز بر هشت وزیر مسئول در دایره دولت نباید برده شود.
- 6- عزل مسیو نوز و پریم و توقیف لاورس رئیس گمرگخانه تبریز فوری لازم است.
- 7- عزل ساعدالملک.

کسروی بعد از توضیح یکایک این مواد در مورد ماده چهارم می نویسد: “چهارم برای جلوگیری از خود سری حکمرانان بود و چنین می خواستند که در همه شهرها رشته در دست خود مردم باشد تا حکمرانان نتوانند با دستور محمد علی میرزا کار شکنی کنند. این را خود تبریزیان بکار بسته و چنان انجمنی برپا گردانیده بودند و می خواستند در همه جا آن باشد.” (1)

در واقع تضاد بین دهقانان (رعایا) به همراه طبقه نوپائی (بورژوازی) که در صحنه سیاسی- اجتماعی ایران حضور می یافت، به درگیری با عوامل حکومت (والی)، اشراف زمیندار، خوانین بزرگ، روسای ایلات و روحانیت زمیندار که در مقابل هر نوع رشد و ترقی و تحولی مقاومت کرده و قویا خواستار ادامه روابط کهن بودند منجر می شد، این امر یکی از علل اساسی پیدایش فکر انجمن های ایالتی و ولایتی بود، کسان زیادی از خود آن طبقات حاکم در خاطرات و یادداشت های خصوصی خود اقرار می کنند که حتی در زمان مشروطه اعتراضات و حتی قیام های پراکنده بر علیه زمین داران و روابط حاکم، امری عادی و روزمره بوده است.

قیام شیخ محمد خیابانی

خیابانی در بحبوحه انقلاب مشروطه به صف آزادیخواهان پیوست و بزودی بوسیله علی مسیو رهبر “حزب اجتماعيون عاميون” (سوسیال دموکرات) به عضویت انجمن تبریز دعوت شد. او در صف مجاهدان در تبریز علیه استبداد صغیر جنگید و در انتخابات مجلس دوم به نمایندگی مردم تبریز انتخاب شد و در مجلس دوم به حزب دموکرات ایران پیوست و با اولتیماتوم روس (29 آذر 1290 شمسی) مخالفت کرد. (3)

مجلس دوم که بعد از 16 ماه و 21 روز فترت روز 19 نوامبر 1909 شروع به کار کرد، با وجود عمر کوتاه – خود، موانع و مشکلات داخلی و کارشکنی های بیگانگان گام های بلندی در راه استقرار نظام مشروطیت و اصلاحات داخلی برداشت. این اصلاحات دول روس و انگلیس را به هراس انداخت و آنها برای متوقف کردن این روند متوسل به التیماتوم شدند. التیماتوم با تلاش نمایندگان در مجلس رد شد. (4)

ولی سرانجام علی رغم تلاش نمایندگان مردم، استبداد و ارتجاع با استفاده از مداخله قشون روس در شمال و قشون انگلیس در جنوب و به کمک واحد های پیرم خان داشنق و بختیاری ها در تهران به یک کودتای ضد انقلابی دست زده و مجلس را منحل و در تهران حکومت نظامی اعلام کرد، و بار دیگر اشرافیت مرتجع و فئودال حکومت را در دست گرفته و التیماتوم را قبول کرد.

خیابانی با جمعی از یاران خود اعتراض نامه ای خطاب به سفارتخانه ها نوشته و به نقاط مختلف کشور فرستادند. خیابانی همچنین نطق پرشوری در سبزه میدان تهران بر علیه قرارداد ایراد کرده و مردم را به قیام دعوت می کند. رئیس پلیس تهران پیرم خان داشنق به دستور وثوق الدوله وزیر خارجه برای دستگیری خیابانی اقدام می کند، ولی خیابانی فرار کرده و مخفی می شود و سپس از طریق مشهد به روسیه می گریزد.

5 روز بعد از رد التیماتوم توسط مجلس، قشون روس که پشت دروازه های تبریز مستقر شده بود وارد تبریز شده و به قتل عام مشروطه خواهان آغاز می کند. در این هجوم آزادیخواهان معروفی چون ثقه الاسلام، حاجی علی دوافروش، پسران خرد سال علی مسیو و بسیاری دیگر اعدام شدند. عمارت انجمن ملی تبریز، بخشی از دیوار ارک تبریز، خانه های ستارخان و باقرخان و بسیاری از انقلابیون ویران شدند. صمد خان شجاع الدوله که خود را نماینده تزار در آذربایجان می دانست، با کمک قزاقان روس جنایات بیشماری در تبریز و سایر نقاط آذربایجان مرتکب می شوند.

- مجلس سوم بعد از 3 سال فترت در 14 آذر 1293 برابر با 6 دسامبر 1914 بدون شرکت نمایندگان آذربایجان بوسیله احمد شاه افتتاح شد، ولی در کمتر از یکسال، با آغاز جنگ اول جهانی دوباره تعطیل شد.

بعد از انقلاب اکتبر در روسیه و عقب نشینی روسها از ایران خیابانی به تبریز بازگشته و با جمعی از یاران نزدیک خود مانند، اسماعیل امیرخیزی، ابولقاسم فیوضات و تقی رفعت حزب دموکرات ایران شاخه آذربایجان را احیاء و روزنامه “تجدد” را بعنوان ارگان آن حزب منتشر می کند.

خیابانی با تشکیل کنفرانس ایالتی حزب دموکرات ایران در تبریز که با شرکت 450 نماینده از سراسر آذربایجان گرد هم آمده بودند، نام شاخه حزب دموکرات ایران در آذربایجان را به فرقه دموکرات آذربایجان تغییر داد و خواست های چهارگانه اساسی فرقه از دولت مرکزی را مطرح کرد:

- 1- قطع نفوذ و حضور نیروهای خارجی از ایران
- 2- تشکیل فوری مجلس شورای ملی در تهران و اجرای وفادارانه اصول و قوانین مشروطه
- 3- اخراج مامورین دولت مرکزی از آذربایجان و تعیین حاکم مورد قبول و مورد اعتماد مردم آذربایجان
- 4- تاسیس انجمن های ایالتی و ولایتی مطرح در قانون اساسی

وثوق الدوله که این بار در کسوت نخست وزیر ایران ظاهر می شود برای تصویب قرارداد 1919 ایران و انگلیس در مجلس اجرای انتخابات دوره چهارم مجلس را (بعد از 5/5 سال فترت) شخصا بعهده می گیرد، ولی حزب دموکرات آذربایجان اعمال نفوذ دولت وثوق الدوله و انگلوفیل ها را در آذربایجان نقش بر آب ساخته و موفق می شود که 6 کرسی از 9 کرسی نمایندگی تبریز را در مجلس بدست آورد. وثوق الدوله وقتی متوجه می شود که با وجود خیابانی در مجلس امکان تصویب قرارداد 1919 نیست اعتبار نامه نمایندگان آذربایجان را رد و از ورود آنها به مجلس چهارم ممانعت می کند. (5)

دولت وثوق الدوله همچنین دست به خشونت برده و با اعمال قدرت نظامی کوشش می کند که برای همیشه مانع خیابانی را از میان بردارد. خیابانی با وجود اعتقاد به مبارزه مسالمت آمیز و اصول پارلمانتاریسم که در مرامنامه حزب دموکرات آذربایجان تاکید شده بود، دست به عمل متقابل زده و قیام می کند. با آغاز قیام، فرقه دموکرات آذربایجان در 7 آوریل 1920، در عرض دوماه تمام موسسات و سازمان های دولتی را در آذربایجان تصرف و والی آذربایجان و کارمندان دولت مرکزی را از آذربایجان اخراج می کند. حکومت شهر به دست ” کمیسیون اجتماعی ” سپرده می شود که بوسیله حزب دموکرات آذربایجان انتخاب شده بود. در ژوئن 1920 کمیسیون اجتماعی به حکومت ملی آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی تبدیل می شود. خیابانی در مرامنامه ” حزب دموکرات آذربایجان ” علاوه بر تاکید بر اصول اجرا نشده قانون اساسی مانند تفکیک قوا، برسمیت شناختن اصول آزادی های بنیادین، تشکیل انجمن های ایالتی- ولایتی بهمان شکل و قدرت صدر مشروطیت یعنی تشکیل پارلمان ایالتی، و نیز تقسیم عادلانه بودجه کشور و برچیدن اجحاف در زمینه تعداد نمایندگان آذربایجان در مجلس شورا دست به اقدامات رادیکال تری می زند.

خیابانی خواستار تقسیم اراضی خالصه، لغو تمام مالیات های تحمیلی ملاکین و کار اجباری دهقانان، منع فروش املاک مالکین به غیر از دهقانان به اشخاص ثالث، تاسیس بانک فلاحت به منظور ایجاد امکان برای دهقانان برای خرید املاک مالکان، لغو تمام مالیات ها به غیر از مالیات بر درآمد می شود. (6)

با وجود عمر کوتاه حکومت خیابانی (از فرودین 1299 الی شهریور 1299) و شکست و کشته شدن وی بدست همان هائیکه انقلاب مشروطه را به شکست و ناکامی کشاندند، دولت وثوق الدوله بر اثر مبارزات خیابانی و تاثیر جنبش خیابانی در آذربایجان رسوا شده و حکومت وی ساقط و قرارداد 1919 نیز ملغی اعلام می شود.

حکومت خود مختار آذربایجان

بعد از سقوط رضاخان از اریکه قدرت و شکستن اختناق سیاه رضاخانی در شهریور 1320 افق روشنتری برای تحقق آرزوی دیرینه دهقانان آذربایجان، زنجان و خمسه ترسیم می شود. با آغاز سالهای 20 گروه های مسلح خود جوش در اطراف بعضی شهرهای آذربایجان از جمله مراغه و سراب عمدتاً از دهقانان و آوارگان شهری و روستائی بوجود می آیند که کار اصلی آنها جنگ و ستیز با زمین داران بزرگ بود. صفرخان قهرمانیان خود یکی از این نمونه ها بود که قبل از تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان در این گروه های مسلح فعال بود و با تشکیل فرقه بدان می پیوندد.

در فاصله بین شهریور 20 و تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان (10 مهر 1324) تنها حزبی که نفوذ نسبی در بین بعضی اقشار مردم آذربایجان داشت حزب توده بود. در این سالها حزب توده رشد سریعی از لحاظ پایه توده ای در آذربایجان کرده، و رهبران حزب توده در آذربایجان مانند صادق پادگان مسئول حزب توده در آذربایجان، محمد

بی ریا رهبر اتحادیه کارگران ، شبستری سردبیر ” آذربایجان ” ارگان حزب توده در آذربایجان و رهبران دیگر مانند دانشیان، والائی، قیامی، نقش عمده ای در این زمینه بازی می کنند.

جو متحول در سال های 1323-1324 در تبریز، خیزش دهقانان بی زمین و اقدامات خود جوش آنان بر علیه ملاکین آذربایجان بخاطر تصاحب زمین با رد اعتبار نامه پیشه وری نماینده اول تبریز از طرف مجلس شورای ملی (دوره چهاردهم که پر از نمایندگان طرفدار انگلیس و آمریکا بود) در تیر ماه 1324 این وضعیت را دوچندان تشدید می کند.

در آن جو انقلابی و متحول و علیرغم پیشرفت های سریع اولیه، رهبری حزب توده نمی تواند از جو انقلابی که بوجود آمده بود استفاده کند. تزلزل حزب توده در رابطه با حقوق ملیت ها عملاً قادر به جلب توده های سیاسی ناراضی شهرهای آذربایجان نشد و حزب توده با اتخاذ مواضع ضد و نقیض در شرایط متحول فوق پایه های مردمی خود را به سرعت از دست داد.

حزب توده به مسئله حقوق ملی مردم آذربایجان نگاهی تاکتیکی داشت و از حق تعیین سرنوشت ملی مردم آذربایجان دفاع نمی کرد. حزب توده نه تنها کثیر الملله بودن ایران و حتی زبان ترکی را به عنوان یک لهجه هم قبول نداشت ! اختلاف حزب توده با رهبران ایالتی حزب در آذربایجان درباره حق تعیین سرنوشت ملی آذربایجان، زبان ترکی بعنوان زبان ملی مردم آذربایجان، تشکیل پارلمان ایالتی و دولت خود مختار آذربایجان دور می زد. اختلافات حزب توده با رهبران ایالتی حزب در آذربایجان تا آنجا پیش می رود که حزب توده شبستری را از حزب اخراج و بجای روزنامه آذربایجان (ارگان حزب توده در آذربایجان) روزنامه ” خاور نو ” را در تبریز انتشار می دهد!

با انتشار برنامه فرقه دموکرات آذربایجان در 12 شهریور 1324 که در آن تقسیم اراضی بین دهقانان فقیر تاکید شده بود، سیل دهقانان بی زمین رو به فرقه می آورند. دهقانان آذربایجان سپس تر پایه های اصلی و استخوان بندی ارتش فدائیان فرقه را بوجود می آورند، و نیز نقش تعیین کننده و موثر بی ریا سبب روی آوردن کارگران و اصناف بسوی فرقه می شود. حزب توده در آن زمان تخمیناً 12000 عضو در آذربایجان داشت که عمدتاً از روشنفکران و کارگران تشکیل می شد (7)

گنگره اول فرقه دموکرات آذربایجان
فرقه در اولین گنگره خود (10 مهر 1324) علاوه بر تصویب نظام نامه و مرامنامه حزب، تشکیل ارتش فدائیان و بدست گرفتن قدرت سیاسی در آذربایجان را تصویب می کند . این گنگره با ادغام تشکیلات حزب توده در فرقه دمکرات آذربایجان به تشکیل حزب دموکرات آذربایجان رسمیت می دهد.

مراجعت نامه (بیانیه) فرقه که در 13 شهریور انتشار یافته بود، در 12 مهر با قبول مرامنامه فرقه در گنگره اول به شکل کامل تری رسمیت می یابد. این گنگره خود مختاری آذربایجان، تقسیم اراضی خالصه و اراضی زمینداران بزرگ و فراری از آذربایجان و رسمیت زبان ملی مردم آذربایجان یعنی ترکی آذربایجانی را که شعارهای اصلی فرقه را تشکیل می دادند تصویب و عملی کردن آنرا به فرقه می سپارد.

گنگره دوم فرقه دمکرات آذربایجان (29 آبان 1324) که گنگره موسسان یا مجلس موسسان ملی نامیده شد با شرکت 744 نفر نماینده از سرتاسر آذربایجان، و با امضای 150 هزار نفر به نمایندگی از طرف 5 میلیون آذربایجانی دولت خود مختار آذربایجان را تشکیل داد.

طبق رهنمود گنگره دوم، فرقه دموکرات انتخابات عمومی برای ایجاد مجلس ملی را تدارک دید و در هفته دوم آذر ماه انتخابات مجلس ملی انجام و اکثریت بدست اعضای فرقه افتاد و روز 21 آذر 1324 دولت خود مختار آذربایجان تاسیس شد.

دولت خود مختار آذربایجان یک اعلامیه 7 ماده ای برای اطلاع دولت مرکزی انتشار داد که مفاد آن به قرار ذیل بود:

- 1- حق تعیین سرنوشت ملی توسط مردم آذربایجان که دارای ملیت، زبان و خصوصیات آدابی مخصوص به خود هستند.
- 2- حق اعمال ملی، بدون به خطر انداختن تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی ایران.
- 3- حق پشتیبانی و دفاع از دموکراسی و استقلال ایران، از طریق شرکت نمایندگان مردم آذربایجان در مجلس شورای ملی ایران و پرداخت مالیات به دولت مرکزی.
- 4- حق سازماندهی و اداره امور داخلی در آذربایجان، بدون مداخله دولت مرکزی با استفاده از برنامه های دموکراتیک و خودمختاری در چهارچوب استقلال و تمامیت ارضی ایران.
- 5- حق انتخاب و ایجاد مجلس ایالتی و ایجاد یک دولت ایالتی خود مختار توسط اعضای آن مجلس.
- 6- حق استفاده از زبان ترکی آذری، بعنوان زبان رسمی آذربایجان بمنظور توسعه فرهنگ و آموزش در بین مردم آذربایجان.
- 7- حق انتخاب و ایجاد کمیته اجراییه ملی 39 نفره جهت اجرای مصوبات کنگره تمام خلق ها.

نگاهی هرچند کوتاه و گذرا به مقاطع تحولات تاریخ معاصر ایران در فوق و دقت در مضمون مطالبات مردم آذربایجان در آن مقاطع، ما را به این نتیجه گیری منطقی می رساند که فکر برپائی انجمن های ایالتی و ولایتی و قانونیت یافتن آن به دنبال انقلاب بزرگ مشروطیت (1906)، برپائی انجمن ایالتی آذربایجان (مجلس ایالتی 1920) توسط حزب دموکرات آذربایجان بر رهبری شیخ محمد خیابانی و نهایتا ایجاد پارلمان ملی (ایالتی) و دولت خود مختار آذربایجان تحت رهبری پیشه وری و فرقه دموکرات آذربایجان (1945) فکری مشروع، قانونی و بر پایه های حقوقی قانون اساسی ایران متکی بود. (8)

امروز مردم آذربایجان همان خواست های عادلانه، دموکراتیک و قانونی خود را، و اینبار با استناد به قوانین و میثاق های بین المللی که خود حکومت های ایران نیز آنرا تصویب کرده اند به تحکیم مبانی مشروع و قانونی مطالبات خود مبادرت کرده اند. راه حل دولت متمرکز که در 80 سال اخیر تجربه شده و با نتایج فاجعه بارش که با آغاز هر تحولی ایران را در آستانه از هم گسیختگی قرار می دهد روشن تر از آن است که بتوان آنرا تکرار کرده و ادامه داد و یا با وعده حقوق شهروندی

(حقوق فردی) بدون عنایت به حقوق ملی (حقوق جمعی) مسلم و خدشه ناپذیر مردم آذربایجان قابل عرضه کرد. خصومت، انکار، و نادیده گرفتن خواست عادلانه و دموکراتیک مردم آذربایجان در اداره امور داخلی خود بوسیله نمایندگان منتخب و واقعی خود، استفاده از زبان ملی مردم آذربایجان یعنی زبان ترکی آذربایجانی در تمامی شئونات زندگی خود، به هر بهانه ای و از طرف هر مرجعی، تلاش در جهت چرخاندن عقربه زمان به عقب و قهقراء است و راه گشای مداخلات بیگانگان و دایه های مهربان تر از مادر. احترام به این خواست های قانونی، مشروع و انسانی، دفاع از آن و تلاش در جهت تحقق آن می تواند انرژی عظیمی را در جهت دموکراتیزه کردن و ساختن ایران آزاد کند.

توضیحات: 1- در دوران مشروطه دو نوع انجمن ماهیتا متفاوت فعالیت داشتند: انجمن هائیکه اساسا ارتجاعی بودند و از استبداد طرفداری و بر علیه مشروطه خواهان فعالیت می کردند، مانند ” - انجمن بی نام ” به رهبری حسن وثوق، یا ” انجمن فتوت ” به رهبری ظفر السلطنه که هدف آن تخریب ” انجمن آذربایجان ” در تهران بود، یا ” انجمن خدمت ” که توسط احتشام السلطنه و علاء الدوله تشکیل شده بود که اکثر اعضای آنرا شاهزادگان و ملاکین بزرگ طرفدار دربار تشکیل می دادند. انجمن هائی که در دوران اول انقلاب مشروطه هدف خود را حفظ و حراست از مشروطیت و مجلس قرار داده - بودند در تاریخ معاصر ایران به نام ” انجمن های ملی ” معروف گشتند. مانند ” انجمن تبریز ” در تبریز و ” انجمن آذربایجان ” در تهران که دارای 3000 هزار عضو بود. این انجمن ها دفاع از مجلس و اصول مشروطه را وظیفه اصلی خود می دانستند. در ایالات (مانند انجمن تبریز) انجمن ها در واقع ارگان های انتخابی اداره و حاکمیت مردم بودند. آنها در واقع شکل غیر رسمی و اولیه ی انجمن های ایالتی و ولایتی مصرح در قانون اساسی بودند.

این انجمن ها به خاطر پیشبرد امر انقلاب مشروطیت و گسترش اندیشه های آزادی و برابری بوجود آمدند و سهم بزرگی در تحقق آرمانهای مشروطه ایفاء کردند.

عبدالحسین میرزا فرمانفرما از ملاکان بزرگ کشور که مدتی هم وزیر عدلیه بود، در مجلس به صراحت اعلام -2- می کند که: ” رعیت ما علم ندارد و نمی داند که معنای مشروطه چیست و همچون می پندارد که باید مال مردم را خورد و بهره شرعی (!) مالک را هم نداد ...، امروز تمام این نزاع ها (منظور شورش های دهقانی است) بر سر همین است که فقیر با غنی مساوی باشد و بی دین با دین دار ! این هرج و مرج است.

3- متن اولتوماتوم:

<http://www.kitablar.com>

<http://www.kitablar.org/>